

A Pathological Analysis of Ashura Research Approaches

Mohsen Rafat¹

Fatemeh Zhian² Mohammad Hoseyn Madani³

(Received on: 2021-11-09; Accepted on: 2022-09-03)

Abstract

The study of various approaches to Ashura uprising has a significant impact on the analysis of how Ashura reports were selected and why the masses of people have taken different attitudes regarding the uprising of Imam Hoseyn (AS). Moreover, such a study provides a way to overcome the ambiguity of contradictory reports and interpretations of this uprising. Using the critical analytical method and library sources, this research aims to study the authors' writing approaches and the public's perceptions of Ashura uprising. The rooting of historical, political, material, religious, mystical, emotional, and epic approaches to Ashura emphasizes the influence of background assumptions such as determinism, materialism, extreme emotionalism, negligence in narrating historical reports, and the tendency to some of the beliefs of other religions such as Christianity. On the other hand, the role of policies, governments, time requirements, and passivity of the mass of people can be seen among the harms related to various approaches. The results of this research can be used in Ashura studies.

Keywords: Ashura Study, Martyrdom Story of Hoseyn (AS), Imam Hoseyn (AS), Approaches, Authors of Martyrdom Story of Hoseyn (AS).

-
1. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran (Corresponding Author), mohsenrafaat@hmu.ac.ir.
 2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran, f.zhian@hmu.ac.ir.
 3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Imam Sadiq (AS) Research Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran, hmadani@ut.ac.ir.

تحلیلی آسیب شناسانه بر رهیافت های عاشورا پژوهی

محسن رفعت^۱

فاطمه ژیان^۲

محمد حسین مدنی^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲]

چکیده

توجه به رهیافت های گوناگون قیام عاشورا در واکاوی چگونگی گزینش اخبار عاشورایی در انواع مقاتل، تحلیل و علت یابی نگرش های گوناگون توده مردم راجع به قیام امام حسین (ع) و در نهایت راهی برای برون رفت از ابهامات گزارش ها و تفاسیر متعارض و بعضاً واژگون از این قیام تأثیر بسزایی دارد. این پژوهش با روش کتابخانه ای و رویکردی تحلیلی انتقادی در صدد است رهیافت های نوشتاری مؤلفان و برداشت های عموم را از قیام عاشورا بکاود. ریشه یابی رویکردهای تاریخی، سیاسی، مادی، اعتقادی، عرفانی، عاطفی، حماسی به عاشورا، تأثیر پیش فرض های زمینه ای همچون جبرگرایی، مادی گرایی، احساس گرایی های افراطی، تسامح در نقل گزارش های تاریخی، گرایش به پاره ای از باورهای پیروان سایر ادیان نظیر مسیحیت را پُررنگ می کند. از سوی دیگر، نقش سیاست ها، حکومت ها، اقتضائات زمانی و منفعل کردن توده مردم در میان آسیب های مربوط به رهیافت های گوناگون دیده می شود. دستاوردهای این تحقیق می تواند در مطالعات عاشورا پژوهی استفاده شود.

کلیدواژه ها: عاشورا پژوهی، مقتل الحسین (ع)، امام حسین (ع)، رهیافت ها، مقتل نویسان.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران (نویسنده مسئول)

mohsenrafaat@hmu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران f.zhian@hmu.ac.ir

۳. استادیار گروه قرآن و حدیث، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، قم، ایران hmadani@ut.ac.ir

طرح مسئله

بی تردید تفسیر و برداشت از واقعه ای معین، در گرو تصور، تلقی و نگاه بدان واقعه است. این تصورها و برداشت ها را که سرمایه هر روی آورد است رهیافت (attitude) می نامند (عسگری، ۱۳۹۷: ۱۰۴). هر چند انگیزه ها، سلیقه ها و غرض ها در این رهیافت مؤثرند، ولی تصور هر واقعه آنگاه به واقعیت نزدیک تر است که مبتنی بر منابع اصلی باشد. بنابراین، وجود یک رهیافت در میان رهیافت های مربوط به یک واقعه تاریخی می تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی باشد و لزوماً تصور و برداشت درست و متقنی از آن واقعه به دست ندهد. اما محقق باید با بررسی ابعاد حادثه و گزارش های قوی تر خود را به رهیافت یا رهیافت های محتمل تر برساند. بر این مبنا، سه چهره از واقعه ای همچون عاشورا متصور است: ۱. عاشورایی که در نخستین روزهای سال ۶۱ هجری اتفاق افتاد، حادثه ای که معتقدان به یاری امام حسین (ع) آن را آفریدند؛ ۲. عاشورایی که در تاریخ ثبت شده و از صافی نگاه ناظران و تاریخ نگاران عبور کرده و خواه ناخواه نگاه، فهم و درک و تفسیر راویان و تاریخ نگاران در آن اثرگذار بوده است. لذا در کنار مطالعه مقاتل نباید از مؤلفان و صاحبان این کتب غفلت کرد و باید سهمی در اعتبار مطالب آنها راجع به اغراض، اهداف و نوع نگاهشان به قضایا در نظر گرفت؛ ۳. عاشورایی که در میان مردم شهرت یافته که آمیزه ای است از آنچه در کربلا اتفاق افتاده و آنچه مورخان به آن افزوده یا از آن کاسته اند و امروزه در محافل و مجالس عاشورایی بیشتر با این چهره روبه رو هستیم. مراد از «رهیافت عاشورا» در این تحقیق، رهیافت های چهره دوم و سوم است.

آگاهی از رهیافت های مقاتل و کتب مرتبط می تواند تحلیل عمیق تری از آنها به همراه داشته باشد؛ زیرا رهیافت در گزینش و پالایش اخبار نیز تأثیرگذار است. در بررسی روایات تاریخی عاشورا توجه بیشتری به این رهیافت ها نیاز است؛ چراکه احتمال تأثیر رهیافت ها بر روح

پژوهش وجود دارد، تا جایی که ممکن است توان محقق در تفکیک رهیافت‌های مقاتل با روند حقیقی عاشورا دچار مشکل شود.

مقتل نگاران از آغاز تاکنون یا به دنبال رهیافت حقیقی عاشورا نبوده‌اند یا صرفاً مطالب منقولی را که شنیده بودند ثبت کرده‌اند یا به دلیل گرایش‌های مختلف مطالبی بر وقایع عاشورا افزوده‌اند. در حالی که محقق باید با رویکرد نقادانه مبتنی بر رهیافت‌های موجود به عاشورا در جست‌وجوی مقصود و اراده‌ی اساسی امام حسین (ع) باشد. مثلاً ابن عساکر به دلیل گرایش‌های شامی خود، در کتابش مطالبی از جمله شنیده‌هایش را بر واقعه‌ی عاشورا افزوده است. او در نقل وقایع غیرطبیعی به گونه‌ای سخن می‌گوید که گویا این واقعه مقرر الاهی بوده و روایات خارق‌العاده هم، معجزات این وقایع است. وی مطالب را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که مخاطب، امام را فردی ساختارشکن و ضد حکومت اسلامی قلمداد کند، نه فردی که به دنبال برچیدن نظام ستمگری ستمگران و بدعت‌گذاری بدعت‌گذاران باشد.

گونه‌های نوشتاری در حوزه‌ی عاشورا را می‌توان در سه نوع خلاصه کرد: نخست مورخان و محدثانی که با کنار هم قراردادن روایات به دنبال القای اعتقاد خویش بوده‌اند و گاه در نگارش، دخل و تصرف‌هایی کرده‌اند یا به سمت روایاتی رفته‌اند که همسو با رهیافت فکری‌شان بوده است. دسته‌ی دوم مورخان، محدثان یا نویسندگانی که بنا بر روایات موجود، عاشورا را تحلیل کرده و کوشیده‌اند بنیان مقتل‌شان را بر پایه‌ی آن سامان دهند که برخی از این رهیافت‌ها را با نگاه امروزی به مقاتل می‌توان بازیابی کرد و شاید مؤلف انعکاس چنین رهیافتی را در مقتل خویش احساس نمی‌کرده است. دسته‌ی سوم نویسندگانی هستند که کوشیده‌اند صرفاً ابعاد مختلف واقعه‌ی عاشورا را تحلیل کنند، بدون اهتمام به جمع روایات مقتل امام حسین (ع). این سبک نوشتاری کمابیش در آثار نویسندگان قرن هفتم تا نهم به چشم می‌خورد و بیشتر اهداف حرکت امام حسین (ع) را بررسی می‌کند و نوعی نگاشته‌ی درجه دوم محسوب می‌شود که طبیعتاً تحقیق مستقلی می‌طلبد.

پژوهش حاضر با روش تحلیلی توصیفی و ناظر به دو گونه نوشتاری نخست و رهیافت عموم در صدد است بر اساس یافته های تحقیقات مقتل پژوهی^۱ پاسخ پرسش های ذیل را بیان کند:

اهم رهیافت های رایج میان مقتل نگاران و عموم مردم در دوره های مختلف کدام است؟ چه اغراضی بر گزینش و تمایل بدین رهیافت ها اثرگذار بوده است؟ آسیب هایی که رهیافت های مذکور در بر داشته یا ایجاد کرده اند، چیست؟

هرچند این پژوهش از پیشینه عمومی در مقتل پژوهی برخوردار است، اما اکتشاف رهیافت های فریقین به عاشورا مسئله اصلی این دانشوران نبوده است. افزون بر آن، تحقیق حاضر به نوشتارها بسنده نکرده و رهیافت های غیرنوشتاری را هم بررسی کرده است. پژوهش هایی همچون کتاب جریان شناسی تاریخی قرائت ها و رهیافت های عاشورا از صفویه تا مشروطه از محسن رنجبر و مقاله «رویکرد مورخان عصر قاجاریه به عاشورا» نوشته زهرا نوراللهی در بازه تاریخی خاص و نوشتارهایی همچون «رویکرد حماسی به واقعه عاشورا در شعر عاشورایی انقلاب اسلامی» از عبدالکریم حقدادی و «رویکرد احساسی عاطفی به واقعه عاشورا در ایران» نوشته حسین مفتخری و مقاله «فلسفه قیام عاشورا» از محسن رنجبر صرفاً به یک یا معدودی از رویکردها توجه داشته و نگاه جامعی پدید نیاورده اند.

به نظر می رسد مناسب ترین شیوه در بیان رهیافت ها، رعایت ترتیب تاریخی باشد. طبیعی است که برخی از رهیافت ها قدمت بیشتری دارند و برخی دیگر در سده های اخیر در مباحث عاشورا پژوهی مطرح شده اند. برخی رهیافت ها هم با وجود قدمت اولیه، در دوره ای با افول مواجه شده اند، و در دوره های بعد و حتی با فاصله چندین قرن مجدداً با رنگ و لعابی متفاوت و گاه تحریف شده به صحنه آمده اند. با وجود چنین فراز و فرودهایی، در تحقیق حاضر سعی بر رعایت تقدم و تأخر تاریخی رهیافت ها شده است. در این چینش، زمان غلبه بیشتر رهیافت ها ملاک قرار گرفته است. با این حال، ممکن است به دلیل هم پوشانی و هم زمانی، خط کشی دقیقی برای این چینش میسر نباشد.

۱. رهیافت تاریخ‌گراییانه

برخی مقتل‌نگاران صرفاً با نگاه تاریخی، با استفاده از منابع پیشین یا اسناد خود، وقایع عاشورا را نقل کرده‌اند. این مقاتل گاه به نقل گزارش بسنده می‌کنند و گاه تحلیل وقایع را نیز بیان می‌کنند. برخی مقاتل قرون سوم و چهارم مانند مقاتل بلاذری، دینوری، یعقوبی، مسعودی و روایت ابومخنف (موجود در تاریخ طبری) از این دست‌اند که می‌توان روش کارشان را نقلی (با سبک نگارشی ترکیبی) دانست (نک: عسگری و رفعت، ۱۳۹۹: ۵۵-۵۸). از میان اهل تسنن، ابن جوزی در بخشی از المنتظم، که به مقتل امام اختصاص داده، فقط وقایع را ثبت کرده است؛ اما گاه با وجود مذهبش، عمل شنیع یزیدیان را به شدت محکوم می‌کند (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۶۱؛ همو، ۱۴۲۶: ۷۹، ۸۰، ۸۷).

۱.۱. آسیب‌شناسی تاریخ‌گرایی

لازمه این رهیافت آن است که مؤلف بدون دخالت دادن پیش‌فرض‌های شخصی و تعصب‌های درون‌دینی و برون‌دینی، کتابش را فراهم آورد. لذا به جرئت می‌توان ادعا کرد که اگر لازمه این رهیافت به درستی رعایت شود، مقتل‌نگاری یا رهیافتی که بر این اساس شکل گیرد، کمترین آسیب‌ها را خواهد داشت، اما غالباً در این گونه مقتل‌نگاری‌ها دو گونه آسیب دیده می‌شود:

۱. اثرگذاری پیش‌فرض‌ها، پیش‌داوری‌ها و باورها بر نگرش اکثر افراد به تاریخ و وقایعی که یک سوی آن با مذهب و اعتقادشان در ارتباط است، انکارناپذیر است، تا جایی که به گونه‌ای افراطی گفته شده که تاریخ‌نگاری انعکاس عینی تاریخ نیست، بلکه رویارویی آگاهانه ذهن تاریخ‌نگار با آن است (آقاجری و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۸). از همین رو است که رد پای پیش‌انگاره‌ها بر گزینش گزارش‌های این دست مقاتل به وضوح دیده می‌شود. ابن سعد و ابن کثیر دمشقی نمونه‌های بارز این نگرش‌ها به شمار می‌روند. مثلاً ابن سعد

با ابزارهایی چون تقطیع، فشرده‌گویی، نقل به معنا، تلخیص و حتی تفصیل جهت‌دار برای القای گزارش مطلوب خود به مخاطبان استفاده کرده است (نک: رفعت، ۱۴۰۰: ۱۱۸). وی با نقل برخی گزارش‌ها و نامه‌های مبادله‌شده میان امام و معاویه به صورت تقطیع‌شده و گزینشی، امام حسین (ع) را فردی شورشی و معاویه را حلیم و بردبار معرفی کرده است (ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسة ۱/۴۴۰). جست‌وجو در منابع دیگر (مثلاً: بلاذری، ۱۳۹۷: ۱۲۱/۵) تقطیع میانه سخن امام (ع) به دست ابن سعد را نمایان می‌کند. گرایش ابن سعد به صاحبان قدرت، به‌ویژه اهل حدیث (نک: کاظم بیگی و گوهری فخرآباد، ۱۳۹۳: ۵۸-۶۴)، بسیاری از محدثان اهل سنت و مخالفان فکری قیام عاشورا، به‌ویژه تاریخ‌نگاران شام و مغرب، از ابن عساکر^۲ به بعد، را به نقل از وی متمایل کرده است. حال آنکه گزارش ویژه ابومخنف به سبب شخصیت مقبول او در عراق بیشتر محل توجه بوده است (نک: قائدان، ۱۳۷۴: ۴۵-۷۲). دانشمندانی چون ابن عربی، ابن خلدون و دیگران نیز تحت تأثیر گزارش‌های ابن سعد، اهداف قیام امام (ع) را نادیده گرفته‌اند (نک: ابن عربی، بی تا: ۲۳۳-۲۴۷؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۲۶۹-۲۷۲ و نیز منابعی مانند: ابن تیمیة، ۱۴۰۶: ۵۱۷/۴-۵۸۹؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲: ۱۶۰/۸).

۲. این رهیافت به تاریخ به طور عام و واقعه عاشورا به گونه‌ای خاص، گاه به سهل‌انگاری در نقل گزارش‌های ضعیف و فاصله‌گیری از صحیح‌گزینی منجر شده است. از همین رو است که برخی از مقتل‌نگاران با رهیافت تاریخ‌گرایانه، همچون ابومخنف و اهی الحدیث، متروک الحدیث و متساهل و متسامح در نقل (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۸۲/۱۵؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۳: ۲۷۵/۶) خوانده شده‌اند. لذا می‌توان گفت روشی که برخی از صاحبان مقاتل دنبال کرده‌اند با چنین رویکردی با خدشه مواجه است و این موجب شده است گزارش‌هایی که آنان حکایت کرده‌اند دور از واقع و متعارض باشد.

۲. رهیافت سیاست‌گرایانه

چنین رهیافتی پیروزی نظامی و تشکیل حکومت برای امام را مطلوب درجه یک، و صلح شرافتمندانه را مطلوب درجه دو، و شهادت را مطلوب درجه سه می‌داند، با این تفاوت که آن حضرت نخست برای پیروزی نظامی و بعد برای صلح فعالیت کرد، ولی برای کشته شدن هیچ‌گونه فعالیتی نکرد، بلکه این کارگزاران حکومت اموی بودند که فرزند پیامبر (ص) را کشتند (نک: صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۶۱: ۱۵۹).

این نظریه روایاتی را که بر دیدگاه تعبّد به شهادت (نک: رنجبر، ۱۳۹۲: ۲۵۷-۲۸۰) تأکید کرده است، نقد می‌کند (همان: ۹۷-۱۰۶، ۳۶۷-۴۳۷) و علمای برجسته قرن چهارم و پنجم همچون شیخ مفید، شیخ طوسی و شریف مرتضی معتقد بودند هدف از قیام امام حسین (ع)، شهادت نبود و حضرت نمی‌دانست در راه سفر به کوفه شهید می‌شود. این قول در حدود سه قرن بین عالمان شیعه مشهور بود و هیچ‌یک از ایشان با چنین دیدگاهی مخالفت نکرد؛ اما در قرن هفتم، سید بن طاووس با تألیف اللهوف، نظریه قیام برای شهادت را مطرح کرد که از آن زمان تاکنون به باوری مشهور تبدیل شده است (همان: ۴۵۵؛ اسفندیاری، ۱۳۸۸: ۷۰). طرفداران این دیدگاه برای اثبات نظریه شان، به دلایل و شواهدی تمسک کرده‌اند (رنجبر، ۱۳۹۲: ۵۶، ۹۷).

این رهیافت در مقاتل به ندرت یافت شده و بیشتر محور بحث کسانی است که به دنبال تحلیل‌های کلامی از وقایع تاریخی هستند. ماهیت علم کلام هم فراهم بودن زمینه برداشت‌های چندوجهی است. از این رو، تحلیل و نتیجه‌گیری صحیح در این رهیافت، صرفاً منوط به استدلال‌های عقلی نیست، بلکه نیازمند تسلط بر تاریخ، حدیث، قرآن، تفسیر و دیگر علوم مرتبط است.

۱.۲. آسیب‌شناسی سیاست‌گرایی

۱. باورنداشتن به علم غیب امام و بی‌توجهی امام به مصالح طبیعی کارها، فقدان قدرت تشخیص صحیح در امور اجتماعی، جهاد اسلامی را همچون نبردهای غیراسلامی با

پیروزی ها و شکست های ظاهری دانستن، فراموش کردن بُعد معنوی جهاد و تأثیر آن در جامعه اسلامی؛ در واقع، این رهیافت نهضت امام را شکست خورده می داند؛ چراکه امام به هدف و غایت نهضت، یعنی تشکیل حکومت اسلامی، دست نیافت.

۲. بر اساس این دیدگاه، امام شایسته زمامداری مسلمانان نیست، زیرا امامی که از قدرت تشخیص مصالح محروم است و از علم غیب بهره مند نباشد و درک و آگاهی ظاهری اش نیز از نصیحت گویان عادی کمتر باشد، هرگز نمی تواند رهبر اصلاحات باشد، بلکه چنین کسی منشأ بدبختی و نابسامانی است. بنابراین، این رهیافت در نهایت به انکار شأن امامت و ولایت امام می انجامد.

۳. رهیافت دنیاگرایانه

یکی از دیدگاه هایی که پیشینه ای طولانی دارد و گویا با آغاز نهضت مطرح شده و همواره مستند کسانی است که موافقت با قیام را به منزله کنار گذاشتن مذهب خود می دانند، رهیافت دنیاگرایانه است. امام حسین (ع) برای دست یابی به حکومت قیام کرد ولی در ارزیابی هدف دچار اشتباه شد. با اینکه بسیاری از صحابه از سر خیرخواهی او را از انجام دادن این حرکت بازداشتند، اما بدین هشدارها گوش نسپرد و سرانجام شکست خورد. شاید بتوان عبدالله بن عمر (ابن کثیر، ۱۶۳/۸۱۴۲۲؛ ذهبی، ۱۴۱۰: ۸/۵) و عبدالله بن مطیع (طبری، ۱۳۸۷: ۳۹۵/۵؛ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۲۲/۵ - ۲۳؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۴۷/۴؛ ابن کثیر، ۱۶۲/۸۱۴۲۲) را که به امام دل نمی سپردند، از قائلان بدین مطلب دانست. چنین اندیشه ای را در قرون بعدی هم برخی از مورخان و اندیشمندان اهل سنت تأیید کردند و با بیان کردن تفسیری سطحی و دنیاگرایانه از انگیزه قیام امام و در نتیجه ترسیم چهره ای تحریف شده و دگرگون از نهضت کربلا، نهضت امام را حرکتی نسنجیده در اوضاع و احوال نامناسب دانستند. از همین رو بر اقدام امام خرده گرفتند و آن را سبب تفرقه و خلاف مصالح جامعه اسلامی پنداشتند و در نتیجه حرکت امام

را برای خود او، اسلام و مسلمانان تا روز قیامت زیان بار شمردند (نک: ابن عربی، بی تا: ۲۳۳-۲۴۷؛ ابن تیمیة، ۱۴۰۶: ۵۱۷/۴-۵۸۹؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲: ۱۶۰/۸؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۲۶۹/۱-۲۷۲). به نظر می رسد وجود روایاتی از عبدالله بن عمر، عبدالله بن مطیع و دیگر کسانی که به اصطلاح خودشان قصد خیرخواهی برای امام داشته اند، سبب شده است مقاتل به چنین قرائاتی گرایش نشان دهند که در نقد گزارش های مقاتل، توجه به این مؤلفه ضروری است.

۱.۳. آسیب شناسی دنیاگرایی

۱. بن مایه چنین نگرشی توجه بیش از حد به قدرت مادی، امکانات و قوای دنیوی است. از این رو، چون قوای مادی امام (ع) را اندک و هدف حضرت رادست یابی به قدرت می پندارد، حرکت حضرت را نسنجیده و غیرعقلانی قلمداد می کند. در حالی که امام (ع) بر قدرت مادی و نظامی بنی امیه آگاه بود و قساوت قلب و پیشینه دشمنی این خاندان با دودمان رسالت و سابقه بی وفایی مردم کوفه را از یاد نبرده بود. علاوه بر اینها، امام (ع) گاه صراحتاً سخنان بزرگان و نصیحت کنندگان را نیز تأیید می کرد (نک: ابن سعد، ۱۴۱۰: ۴۴۲/۱-۴۵۰؛ همو، بی تا: ۵۶). قائلان به این رهیافت گویا به مسئله تجاوز حکام یزید و بیعت خواهی اجباری شان از امام توجه نداشته اند.

چنین رهیافتی با مبنای حسینی که انجام دادن تکلیف را حتی با وجود به خطر افتادن جان ضروری می داند، ناسازگاری جوهری دارد. اگر حسین (ع) به دنبال حکومت بود، باید مانند دیگر رهبران سیاسی برای غلبه بر دشمن، به هر وسیله ای چنگ می زد و حتی از هر گونه دروغ، حيله و تزویر برای پیشبرد اهدافش بهره می گرفت (نک: رنجبر، ۱۳۸۲: ۹۲-۱۰۰؛ صحتی سردرودی، ۱۳۸۵: ۱۵۵-۲۲۰).

۲. این رهیافت نیز، مانند رهیافت پیشین، امام را در تشخیص امکانات مادی و رزمی سپاهش و قیاس آن با سپاه دشمن دارای اشتباه محاسباتی می داند. از این رو ایشان را شایسته زمامداری و اصلاح جامعه نمی داند و در نهایت به انکار ولایت امام می انجامد.

۴. رهیافت الگوگرایانه

بی شک قیام خونین عاشورا بر افکار آزاداندیشان، به ویژه پیروان اهل بیت (ع)، تأثیر گسترده‌ای گذاشت. شاید بتوان یکی از اهداف قیام حسینی را تأثیرگذاری بر روح و جان خفته کسان دانست که به وقایع پیرامونشان بی‌اعتنا بودند و دینداری را منحصر در رعایت احکام تکلیفی فرض می‌کردند. به همین دلیل، امام (ع) در موقعیت‌های بی‌شماری بر نفی ستم‌پذیری و ذلت‌پذیری تأکید کردند. روحیه عدالت‌خواهی، عزت‌خواهی، ذلت‌ناپذیری، آزادگی و احیای امر به معروف و نهی از منکر در جای جای نهضت حسینی تبلور یافته است. الگوپذیری از این جنبه‌های قیام عاشورا می‌تواند تأثیر فراوانی بر روح شریعت نیز داشته باشد.

مؤلفان و مقتل‌نگاران کمتر به این رهیافت توجه کرده‌اند، اما در طول تاریخ جلوه عملی یافته است. افرادی می‌کوشیدند همسو با حرکت امام حسین (ع) علیه حکومت ستمگر وقت قیام کنند و خلافت را به اهل بیت (ع) تحویل دهند. هرچند به دلیل توجه نکردن به اقتضائات و زمینه‌ها، حرکت‌هایشان به شکست انجامید. زید بن علی (ع) از آن جمله است (صدوق، ۱۳۷۸: ۲۴۸/۱-۲۵۳). «وی به خون‌خواهی امام حسین (ع) با شمشیر خروج، و امر به معروف و نهی از منکر کرد» (مفید، ۱۴۱۳: ۱۷۷/۲). لزوم خروج [هر امامی] با شمشیر برای امر به معروف و نهی از منکر از باورهای مسلم و مشخص‌کننده زیدیه بود؛ به گونه‌ای که تاملت‌ها هر قیام مسلحانه‌ای در هر دوره حتی پیش از زید را «زیدی» می‌خواندند (شامی، ۱۳۶۷: ۶۶). از دلایل خروج زید می‌توان به اینها اشاره کرد: ریشه‌کن کردن رژیم حاکم به جهت رفتار خصمانه برخی از خلفای اموی با خاندان علوی و طرفدارانشان، سستی اموی‌ها در امور دینی و کوشش برای تحریف حقایق، تهمت‌های ناروایه مخالفان رژیم، انتخاب دشمنان شناخته شده اهل بیت همچون یوسف ثقفی به استانداری مناطق شیعه‌نشین و دادن اختیار تام به آنها در شکنجه کردن شیعیان (همان: ۸۰). مقایسه این انگیزه‌ها با انگیزه‌های امام حسین (ع)، شباهت قیام زید به نهضت امام را نشان می‌دهد. زیدی‌ها یکی از شروط اساسی امام را قیام با شمشیر در برابر ستمگران می‌دانند (همان:

(۱۲۶). راویان زیدی مذهب درباره این مطلب نیز عقاید مستحکمی داشته و اخباری در تشویق و تأیید حرکت انقلابی علیه حکومت وقت یا درباره جنگ و قتال روایت کرده‌اند (نک: کلینی، ۱۳۸۸: ۳۳۷/۲؛ ۲۱۷/۳؛ ۳۲/۵، ۳۴، ۴۵، ۴۹). همچنین، راویانی مانند حسن بن صالح (برای مطالعه روایات او، نک: همان، ۲/۳، ۴۷۸؛ ۲۱۲/۴؛ ۴۸۶؛ ۳۴/۵؛ ۴۰۹؛ ۸۰/۶، ۱۲۵، ۱۸۲، ۲۰۰ و ...) قیام مسلحانه و خروج با شمشیر را جایز دانسته و به همین دلیل برخی مانند سفیان ثوری یا وکیع، او و شاگردانش را تخطئه کرده‌اند (عقیلی، ۱۴۱۸: ۲۳۱-۲۳۲).

۱.۴. آسیب‌شناسی الگوگرایی

با وجود آنکه مبنای این رهیافت صحیح است، اما گرایش به این نگرش در مقام عمل خالی از آسیب نمانده است:

۱. الگوگیری ناصحیح: گروه‌هایی همچون زیدیه بابی توجهی به نصایح ائمه (ع)، از جمله نهی امام باقر (ع) از شتاب (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۵۶/۱) و هشدار امام صادق (ع) به بی نتیجه ماندن قیام آنها (صدوق، ۱۳۷۸: ۲۲۵/۲)، با تفکر غلط و اقدامات اشتباه از جمله درخواست کمک مالی صاحب فخر از مهدی عباسی (نک: ابن طباطبا، ۱۳۵۰: ۲۶۱) که با روح ذلت‌ناپذیری امام فاصله دارد، حرکت‌های ناقصی صورت دادند.

۲. از دیگر آسیب‌های این رهیافت می‌توان به روند فرسایشی و نزولی ارتباط با ائمه (ع) (نک: توحیدی‌نیا، ۱۳۹۷: ۶۸) اشاره کرد که در نهایت آن را به دست زوال سپردند.

بدیهی است زیدیه با درک ناصحیح از الگوگیری از قیام امام حسین (ع) روح نهضت را در نیافتند و می‌توان گفت بن‌مایه‌های صحیح و مستحکمی که وابسته به تفکر اهل بیت بود و شالوده و اصول این رهیافت را تشکیل می‌داد با تفکر غلط و اشتباهشان به دست زوال سپردند، به طوری که در تاریخ ماندگار شد.

۵. رهیافت جبرگرایانه

در این دیدگاه، امام حسین (ع)، خاندان و یارانشان در کربلا به پذیرش چنین سرنوشتی مجبور بوده اند و همه مصائب و بلاهای عاشورا و پس از آن، در اسارت از سوی خدا مقدر شده بود که آنها به هیچ وجه نمی توانستند از آن تخلف کنند. عاملان و مباشران این واقعه نیز از ازل برای چنین چیزی انتخاب شده و مأموران انجام دانش بودند و صرفاً فرمانبر و مجری امر خدا بوده اند.

۱.۵. آسیب شناسی جبرگرایی

این رهیافت به قیام عاشورا از چند جهت با مشکل مواجه است:

۱. حاکمان ظالم واقعه عاشورا دستاویز قرار دادند؛ نگرش تقدیرگرایی به حوادث تاریخی سیاسی را پیش از این معاویه و یزید برای پیشبرد اهدافشان در میان امت رواج داده بودند (دینوری، ۱۴۱۰: ۲۰۵/۱، ۲۱۴، ۲۲۵؛ نک.: مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۰۶-۱۰۹).^۲ تاریخ نگاری درباری نیز که به گونه ای توجیه کننده عملکرد ظالمانه حاکمان بود، در میان مورخان اموی مسلک رایج بود تا هم به حاکمیت مذهبی بخشی از جامعه مشروعیت بخشید و هم بی نتیجه بودن شورش علیه حکومت را القا کند. محمد بن سعد، مؤلف الطبقات الکبری، در میان مورخان، سرآمد چنین نظریه ای است (ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسة ۴۵۲/۱)؛ اندیشه ای که در زمان صفویه و قاجاریه نیز پیگیری شد و اعتقاد به نقش و تأثیر افلاک و ستارگان یا روزگار و زمانه، در حوادث تاریخی، به ویژه واقعه جان سوز کربلا، مطرح شد. شاعران و تعزیه گردانان در گسترش این دیدگاه در میان مردم نقش چشمگیری داشتند (نک.: رنجبر، ۱۳۹۲: ۳۰۶-۳۱۰).
۲. سه عامل تأثیر بینش جبرگرایانه بر ادبیات و تاریخ نگاری دوره صفویه و قاجار، برداشت نادرست از برخی آموزه های قرآنی و روایی، و تأیید ضمنی چنین قرائتی از سوی حاکمیت سبب شد این رهیافت به وجود آید و همچون زهری فلج کننده در کالبد فرهنگ عاشورانفوذ

کند و آن را به رکود، انفعال و جمود بکشاند و درس آموزی، الگوگیری و پندگیری از این واقعه و حسینی وزینبی عمل کردن را از آدمی بگیرد (نک: همان: ۳۱۱-۳۱۴).

۳. آسیب مبنایی این رهیافت رامی توان اعتقاد به جبر و فقدان اختیار انسان ها در سرنوشت خود و جامعه و به تبع آن تبریئه تلویحی مسببان واقعه عاشورا دانست؛ زیرا از دیدگاه قائلانش، آنها نه به اراده و انتخاب خود، که به خواست خدا برای این کار از روز الست انتخاب شده بودند. این رویکرد در زمان وقوع عاشورا از سوی حکومت یزید و شریکان در واقعه عاشورا تبلیغ شد. استدلال یزید به «تَوْتَى الْمُلْکِ مَنْ تَشَاءُ؛ به هر آنکه خواهد ملک بخشد» (آل عمران: ۲۶) در هنگام مشاهده سر امام (ع) (نک: خوارزمی، ۱۴۲۳: ۶۴/۲) و تعلیل عمر بن سعد که این کار از تقدیرات الهی بود (کانت امورا قضیت من السماء) (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۱۳/۵) رامی توان نمونه های بارزی از تمسک به جبر برای تبریئه قاتلان امام دانست.

۶. رهیافت عرفان گرایانه

در جهان بینی عرفانی، فلسفه آفرینش در حب خلاصه می شود. امام حسین (ع) خود را در آغوش مرگ شیرین یافته و می داند کشته خواهد شد. چرایی رفتن او به کربلا و تن دادن به کشته شدن در پرتو عشق بازی با خدا درک می شود. سنت ابتلا از ابزار این رهیافت است که هر انسانی در طول زندگی اش با آن دست و پنجه نرم می کند و در آیات و اخبار، از ابتلای ویژه اولیای الهی به انواع شدائد و مصائب خبر داده شده است (نک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۴۵). برای این اساس، هر چه انسان نزد خدا مقرب تر باشد، پروردگارش او را با مصائب سخت تری روبه رو خواهد کرد. ظاهراً ابن اعثم با انتساب عبارت مشهور «مَا زَايَتْ إِلَّا جَمِيلًا» به حضرت زینب (س) (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۲۲/۵؛ ابن نما حلی، ۱۴۰۶: ۹۰؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۶۰؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۳۶۳/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۶/۴۵) در برگزیدن چنین رهیافتی

پیش‌گام است. در میان مورخان شیعی، ابن‌نمای حلی و به‌ویژه ابن‌طاووس به واقعه کربلا چنین نگریسته‌اند. ابن‌طاووس در تحلیل حرکت امام نوشته است:

چون اولیای خدا بدانند که زندگی‌شان مانع پیروی از حضرت حق است و ماندن در دنیا مانع بخشش‌های اوست، لباس زیست دنیا از تن برون‌فکنند و کوبه لقای او بکوبند و با بذل جان در این راه و عرضه بر شمشیر و تیر متلذذ گردند. روح شهدای کربلا را تا جایی به بالا می‌کشاند که در بذل جان و استقبال از مرگ بر یکدیگر پیشی می‌گیرند و ابدان مقدسه‌شان آماج تیرها و شمشیرها می‌گردد... و اگر نبود امتثال فرمان کتاب و سنت که باید برای ناپدید شدن اعلام هدایت و بنیان‌گمراهی، بدین شهادت‌ها متأسف باشیم، در شادی این نعمت بزرگ، لباس‌های بشارت و سرور به تن می‌کردیم؛ اما از آنجا که خشنودی خداوند در ماتم و عزاداری است و هدف بندگان نیک خدا با آن تأمین می‌شود، لباس عزا پوشیده و اشک از دیدگان جاری کردیم (ابن‌طاووس، ۱۳۴۸: ۳-۵).

با تشکیل دولت صفوی، که شالوده‌ای صوفیانه داشت، کاشفی سبزواری روضه الشهداء را مبتنی بر این رهیافت نوشت (نک: رفعت و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۷۶-۳۲۰) و خود را سرآمد آن نشان داد. با توجه به مرام صوفیانه وی، تحلیلش نیز مبتنی بر درد و رنج اولیای خداست (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۳۴).

۱.۶. آسیب‌شناسی عرفان‌گرایی

آسیب‌های این رهیافت به عاشورا عبارت است از:

۱. این تحلیل از قیام عاشورا با روایاتی که از اندوه پیامبر (ص) و تمامی مردمان آن زمان بر این واقعه خبر می‌دهد، در تقابل است و خود نمایانگر ناصحیح بودن این‌گونه تحلیل است (نک: حسینی، ۱۳۸۶: ۲۲۸).

۲. از ویژگی‌های این رهیافت که تفسیری عاشقانه و عرفانی از مصائب و شدائد واقعه عاشورا بیان می‌کند، بی‌توجهی به اهداف و پیام‌های والای قیام عاشورا و نیز بی‌توجهی به اعتبار و ارزش اخبار و گزارش‌ها است (نک: رنجبر، ۱۳۹۲: ۲۲۹-۲۵۳).

۳. این رهیافت معلول قرائت و نگرشی تک‌بعدی به نهضت عاشورا است و محرک قیام امام را شهادت‌طلبی و وصال حق می‌داند؛ نگاهی که از مصلحت‌اندیشی و خیرخواهی امام برای امت، مقابله با ظالم و فاسد، صیانت از اسلام در برابر پرتگاه زمانه، غفلت کرده است.

۴. این رهیافت به دلیل جذابیت بسیار و تمایلات درونی انسان‌ها به آن سبب روی‌گردانی از محکومیت مسببان و قاتلان شهدای کربلا می‌شود و از این طریق جنبه تقویت استحکام در مقابل دشمنان دین و نیز رهیافت سیاست‌گرایانه به عاشورا به فراموشی سپرده می‌شود.

۷. رهیافت فدیة‌گرایانه

بر اساس این رهیافت، خداوند از امام (ع) پیمان گرفت تا بلایای بسیاری از جمله کشته شدن خود، نزدیکان و یارانش را به فجیع‌ترین وضع و گرداندن رأس ایشان در شهرها، تا اسارت خاندانش را برای او مقدر کند و آن را در صحیفه آسمانی ثبت کرد. سپس آن را به امضای همه انبیاء، اوصیاء، ملائکه و به‌ویژه جدش پیامبر و اهل بیت (ع) رساند و در برابر آن، امام نیز از خدا پیمان گرفت هر کدام از شیعیان و دوستان گناهکارش را که خواست، در قیامت شفاعت کند.

این رهیافت به باور فدیة در مسیحیت بی‌شباهت نیست. آنها معتقدند عیسی به صلیب کشیده شد تا کفاره گناهان آدم و تبارش باشد. عیسی رنج‌ها و مرگش را با اختیار پذیرفت تا به نمایندگی از بشر، کفاره تمام گناهانی باشد که مردم مرتکب شده و بر اثر آن، به خدا بی‌حرمتی کرده‌اند (Fireston, ۱۹۹۸: ۱۱۰-۱۱۱؛ نک: شاکر، ۱۳۸۸). برخی از مقتل‌نویسان پنداشته‌اند که امام حسین (ع) قیام کرد تا خود را فدای امتش کند و شیعیانی را که مرتکب گناه شده‌اند در قیامت شفاعت، و گناهانشان را به حسنات تبدیل کند؛ امام حسین (ع) فدیة گناهانی

است که حتی شیعه در آینده به هر نحوی مرتکب می شود. پیشینه چنین رهیافتی را نیز باید در مقاتل عصر صفوی جست. شریف کاشانی، که گویا سردمدار چنین قرائتی است (نک: شریف کاشانی، ۱۳۹۰: مجلس اول، «در کیفیت قبول فرمودن حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) شهادت کلیه را در عالم ذر»)، با توجیه تحمل شدائد و مصائب از سوی امام با هدف بخشش گناهان، قرائت خود را تبیین می کند.

۱.۷. آسیب شناسی فدیہ گرای

۱. استفاده ناصحیح از روایت فضیلت گریه بر امام: طرفداران این قرائت، تفسیری نادرست از روایاتی دارند که فضیلت بسیار بر گریستن و گریاندن بر سیدالشهدا (ع) بر شمرده اند و پاداش آن را آمرزش گناهان و ورود به بهشت می دانند (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۸/۴۴-۲۹۶).

۲. گسترش اباحه گری: با این تفکر، امام حسین (ع) کشته شد تا با خونش، گناهان شیعیانش بخشوده شود. در نتیجه دوستان امام حسین (ع) هر گناهی را با آسودگی خاطر انجام دهند، چراکه حضرت در عالم ذر با خدا عهد کرده است که خونش کفاره گناهان محبان و شیعیانش باشد (نک: رنجبر، ۱۳۹۲: ۲۸۳-۲۸۴). جرئت یافتن مجرمان بر گناهان بیشتر به بهانه شفاعت و ترویج نوعی اباحه گری، ایجاد بی انگیزگی و روحیه سستی در میان صالحان و واداشتن غیرمسلمانان به اظهار نظرهای محرف و نادرست درباره مسئله شفاعت (نک: همان: ۲۸۳-۲۹۷) از پیامدهای منفی و آسیب های این رهیافت است.

۳. وارونه جلوه دادن حکمت و هدف قیام امام حسین (ع)، به سبب هدف قلمداد شدن گریه ها و در نتیجه عقیم نشان دادن هدف شهادت حضرت و یارانش نیز از دیگر آسیب های این رهیافت به شمار می رود. مطهری نیز این مسئله را از باب نمونه برای تحریف معنوی قیام امام حسین (ع) بررسی کرده و چنین قرائتی را برنمی تابد (نک: مطهری، ۱۳۸۶: ۲۱۱-۲۲).

۸. رهیافت آیین‌گرایی

در حکومت آل بویه رابطه گرم میان مرجعیت سیاسی و مرجعیت دینی سبب شد فضای فکری شیعه از حالت خمودگی قبلی خارج شود. آل بویه کوشید با احترام به دیگر مذاهب، فرهنگ شیعی را احیا کند تا شیعه بتواند پس از سه قرن انزوا، آشکارا شعارها و مطالباتش را بیان کند. زنده نگه داشتن ماجرای کربلا، که از زمان ائمه (ع) در بین شیعیان مرسوم بود، معمولاً به صورت خانگی و خواندن رثا برقرار می‌شد، اما به شکل رسمی و آشکار از سال ۳۵۳ ه.ق. آغاز شد. در این سال معزالدوله، به بستن مغازه‌ها در عاشورا و تعطیلی معاملات و آشکارسازی نوحه خوانی، عزاداری و سیاه‌پوش کردن بازار و چهره شهر و... دستور داد. فضای آزادی که آل بویه برای شیعه فراهم کرد تا حدی پیش رفت که زنان نیز ضجه‌کنان در شهر عزاداری می‌کردند (ابن‌کثیر، ۱۴۲۲: ۲۵۹/۱۱ و ۲۰۲/۸). آل بویه همچنین استفاده از آلات موسیقی، مانند طبل، شبیه خوانی و شبیه‌سازی واقعه کربلا را رواج دادند. آذین‌بندی در روز غدیر و اهمیت دادن به هنر معماری و تکریم زیارتگاه‌ها، به ویژه نجف و کربلا، از جمله اقداماتی بود که در این فضای آزاد شیعی، جبران مافات شد (همان: ۲۴۳/۱۱؛ نک.: ایزدی، ۱۳۸۷؛ طالش عزیزی، ۱۳۸۱؛ خواجه میرزا، ۱۳۸۵). در دوره صفویه و قاجاریه همین روند به شکلی آزادانه‌تر ادامه یافت (نک.: محرمی، ۱۳۸۲؛ فروغی، ۱۳۸۳؛ زندیه و دیگران، ۱۳۹۲). این حکومت‌ها با مراسم‌سازی و آیین‌هایی که پیش‌تر سابقه‌ای نداشت رهیافتی نو به فرهنگ عاشورا افزودند که تاکنون به عنوان مراسمات آیینی مرسوم است. جلوه‌یافتن چنین رهیافتی در منابع عاشورایی همچون روضه الشهداء و مقاتل قرون یازدهم به بعد طبیعی به نظر می‌رسید.

۸.۱. آسیب‌شناسی آیین‌گرایی

این رهیافت، قیام عاشورا و عزابرسیدالشهدا را به آیینی مذهبی یا حتی ملی، بدون توجه به پیام و هدف آن تبدیل کرد. آسیب‌های این رهیافت عبارت است از:

۱. رهیافت آیین گرایانه که بر مبنای برانگیختن احساسات، عواطف و قشری نگری به قیام امام حسین (ع) به اوج رسید، سبب شد مراسم های عزاداری از عدالت خواهی و سینه سپر کردن در مقابل ظلم و بیداد به مراسم های آیینی کشیده شود. کسانی جذب این رهیافت می شوند که خود را از دست یابی به شخصیت های والای قیام عاشورا عاجز می بینند و به پدیده های اجتماعی و سیاسی جامعه شان بی اعتنائند.
۲. رهیافت آیین گرایی به عاشورا بازروایتی نمادین، غلوآمیز، دست نیافتنی و مقبول نزد جامعه پدید آورد؛ آیین هایی بدون استناد و اعتبار علمی و فقهی همچون قمه زنی، زنجیر زنی و ... آنها مراسم باشکوه آیینی بر پا می دارند و در استفاده از ابزار آلات جدید عزاداری افراط می کنند.

۹. رهیافت عاطفه گرایی

نقطه آغاز و سرچشمه این رهیافت به زمان واقعه عاشورا و شاهدان عینی واقعه، از جمله امام سجاد (ع)، برمی گردد. امامان معصوم و مورخان کهن نیز گزارش های مختصر و عاری از زهر گونه مبالغه مطرح کردند. اما با گذر زمان، به تدریج این قرائت فربه تر شد و رنگ و بوی جدیدی به خود گرفت. در دوره صفویه و قاجاریه روایات عاشورایی به اخباری تبدیل شد که نقل آن در کلام قصاصان و حتی برخی بزرگان، نگاه افراطی عامه مردم را به سوی این رهیافت سوق داد. همسویی حکومت در این دوره، موجب تبلیغ، ترویج و تثبیت این رهیافت شد تا حدی که به قرائت حاکم در محافل عزاداری شیعی تبدیل شد. استقبال مردمی از اخبار داستانی (که می توان ابن اعثم را مبدع این سبک نگارش دانست) در تقویت این رهیافت از طریق ورود افسانه های حزن آلود و پُراحساس انکارناپذیر است (نک: رحمان ستایش و رفعت، ۱۳۸۹). چنین رهیافتی با کتاب روضه الشهداء کاشفی پُررنگ تر شد، اما اعتراض کسانی مانند محدث نوری را با نگارش کتاب لؤلؤ و مرجان برانگیخت (نوری، ۱۳۸۶: ۲۵۳). نقل حکایاتی مانند داستان عروسی قاسم (کاشفی

سبزواری، بی تا: ۳۲۱-۳۲۲)، زعفر جنی زاهد (همان: ۳۴۶)، افسانه مبارزه شخصیت خیالی مارد بن صدیف تغلبی با حضرت عباس (ع) (در بندی شیروانی، ۱۴۱۵: ۴۹۹/۲)، خبر مسلم جصاص و دادن نان و خرما و گردو به کودکان اهل بیت (ع) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۴/۴۵-۱۱۵)، افسانه ساربان امام (همان: ۳۱۶/۴۵-۳۱۹)، شفایافتن دختر معلول یهودی با خون بال یک مرغ (کاشفی سبزواری، بی تا: ۳۵۸-۳۶۰)، افسانه شیرین خانم (همان: ۳۷۰-۳۷۱)، قیام دختری به دره الصدف در حلب به خون خواهی امام (در بندی شیروانی، ۱۴۱۵: ۳/۴۴۵-۴۵۰) و ... ضمن ایجاد سرگرمی برای شنونده، عواطف او را نیز تحریک می کرد. این تأثیرگذاری سبب مقبولیت این رهیافت در میان مردم شد. حتی پیروان ادیان و مذاهب دیگر، به ویژه یهودیان و مسیحیان، اقبال خاصی بدین رهیافت داشتند. شاهد این مدعا، گزارش سفرنامه نویسانی است که خود در برخی از مجالس و مراسم عزاداری شرکت کرده و متأثر و محزون شده اند (نک: مفتخری ورنجبر، ۱۳۸۷).

نام کتاب هایی که در این دوران تدوین می شد نیز نشان از توجه افراطی به این رهیافت دارد، عناوینی همچون: أخبار ماتم، أنیس الذاکرین، بحر البکاء، بحر الدموع، بحر المصائب، بحور الغمة، تذکره المصائب، زبدة المصائب، سحاب البکاء، سراج غم، جواهر المصائب، طوفان البکاء، دفتر ماتم، سفینه البکاء، عین البکاء، مفتاح البکاء و ... (نک: طهرانی، ۱۴۰۳: ۳۴۶/۱؛ ۳۹/۲؛ ۴۵۴/۲؛ ۳۲/۳؛ ۳۹/۳؛ ۴۶/۳-۴۷؛ ۵۰/۳؛ ۴۸/۴؛ ۱۴۹/۱۲؛ ۱۵۹/۱۲؛ ۱۷۹/۴؛ ۲۸۰/۵؛ ۲۹۴/۵؛ ۲۲۶/۸؛ ۱۹۵/۱۲؛ ۱۴۹/۲۰؛ ۳۶۷/۱۵؛ ۱۴۹/۱۸؛ ۲۸۶/۲۰؛ ۳۲۷/۲۱).

۱.۹. آسیب شناسی عاطفه گرایی

مهم ترین آسیب های پیش روی رهیافت عاطفه گرایانه چنین است:

۱. فراهم آوردن زمینه ترویج خرافات، تحریفات و مبالغه ها: توجه به بُعد غم انگیز عاشورا آن را با افسانه ها درآمیخته و در نتیجه دقت های تاریخی رنگ باخته و از مصادر دقیق در تدوین آثار استفاده نمی شود. در مقتل نگاری های مبتنی بر این رهیافت، پیش از

آنکه تدوین متن متقن تاریخی مد نظر باشد، تدوین اثری حزن انگیز و گریه آور محل توجه بوده است. این نوع مقتل ها که ارزش تاریخی ندارند و برای تحریک عواطف عوام نوشته شده اند، میدان بازی برای ترویج خرافه و تحریف فراهم آوردند (حسینی، ۱۳۸۶: ۴۲-۴۳). ازدواج قاسم و دفن پسر او به نام قاسم مثنی یا شهرزاد قاسم، که بنی امیه او را در ری، یعنی روستایی از شمیرانات، کشتند و فاضل دربندی بر این اساس بدان معتقد شده است (دربندی شیروانی، ۱۴۱۵: ۲/۳۸۷-۳۸۸)، یکی از همین تحریفات و خرافاتی است که بر مبنای رهیافت عاطفه گرایی همراه با ارادتی تامّ به ساحت حضرت قاسم بن الحسن (ع) سامان یافته است. نمونه دیگر گزارش زدن نعل تازه بر اسبان و تازاندن آنها بر پیکرهای مطهر شهدا است که شریف کاشانی به تمسک از شهرت در نزد ذاکران، نخستین قائل آن بوده، و رنگ و بویی از عاطفه را با خود درآمیخته است، در حالی که تاختن بر پیکرهای پاک امام و اصحاب ایشان در منابع کهن تر بدون ذکری از نعل تازه بیان شده است (طبری، ۱۳۸۷: ۵/۴۵۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۴/۸۰؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۶۲/۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۱۳/۲).

۲. استفاده ابزاری از برخی روایات: وجود روایات متعدد بر فراوانی اجر و ثواب گریستن، گریاندن و تباکی که تحت همین عنوان در بحار الانوار سامان یافت (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴/۲۸۸-۲۹۶)، سبب ترویج این قرائت شد. برخی ساده انگاران، ناخواسته، و گروهی از قصاصان بدون علم، با سخنانی خودباخته، با تکیه بر این روایات با هر ابزاری در ستاندن اشک می کوشیدند.

۳. نقل گزارش های ضعیف به دلیل اظهار ارادت به شخصیت های حاضر در عاشورا یا صرفاً حفظ میراث: دربندی نمونه بارز ارادت عمیق به شخصیت های عاشورا است که با کنار هم قراردادن گزارش های معتبر و غیرمعتبر و هم پوشانی آنها کوشید نقل ها از همدیگر تفکیک نشوند و روایات خارج از حیطه عقل یا روایات فاقد ناقلان معتمد

به فراموشی سپرده نشود. از این رو نقل‌های باورنکردنی را تا حد امکان توجیه می‌کند؛ گروه دوم نیز نه لزوماً به سبب ارادت، بلکه برای حفظ میراث حدیثی و تاریخی و اعتماد به منابع آنها، اخباری را که رنگ و بوی عاطفی داشته، ولو ضعیف، در کتاب‌هایشان جای دادند. نمونه بارز این دسته محمدتقی سپهر کاشانی، نویسنده ناسخ التواریخ، است که درج تمام روایات و اخبار رسیده از عاشورا، به ویژه افسانه‌های بی‌اساس دارای بُعد عاطفی، اساس نتیجه‌روایتگری او را همانند فاضل دربندی کرد (نک: رفعت و ژیان، ۱۴۰۰).

۴. ترویج ماجراهای بی‌مبنای عاطفی و احساسی به حادثه عاشورا: افراط در نقل‌های غیرمعتبر،^۴ تأکید بر تشنگی امام، خاندان و یارانش^۵ و انحصار ابعاد جان‌سوزی واقعه عاشورا بر آن،^۶ ذکر گزارش‌های غیرمعتبر از وداع‌های جان‌سوز امام با خاندانش (نک: طریحی، ۱۴۲۴: ۴۳۹)، نسبت دادن اظهار حزن و گریه‌های بسیار و بعضاً ذلیلانه به امام و خاندانش^۷ (نک: همان: ۳۰۶)، انتساب سخنان، درخواست‌ها و رفتارهای ذلیلانه به امام و بنی‌هاشم (نک: کاشفی سبزواری، بی‌تا: ۳۴۸؛ دربندی شیروانی، ۱۴۱۵: ۳۷۹/۲؛ ۶۵/۳ و ...)، ترسیم سیمای کریه‌تر از رفتار و منش ظالمانه سپاه عمر سعد (نک: کاشفی سبزواری، بی‌تا: ۳۵۲؛ دربندی شیروانی، ۱۴۱۵: ۷۳/۳) و ... از آسیب‌های روشی این رهیافت است.

۵. ممکن نبودن تکرار و الگوسازی: هرچند پرداختن به جنبه‌های عاطفی عاشورا، غیرمستقیم خاطره حادثه را زنده کرده و به نحوی بار سیاسی‌اش را انتقال می‌دهد، اما برداشت سیاسی مستقیم بدین نحو را که حرکت امام به صورت الگویی تکرارپذیر درآید ممکن نمی‌کند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۲۴)؛ زیرا قرائت عاطفی خنثا است و پرسش‌انگیزی اعتقادی به همراه ندارد یا دست‌کم به پرسش‌انگیزی‌هایش توجه نمی‌شود. موسوی خمینی می‌گوید:

اینکه در روایات ما برای یک قطره اشک برای مظلوم کربلا آن قدر ارزش قائل اند، حتی برای تباهی ارزش قائل اند، نه از باب این است که سید مظلومان احتیاج به این کار دارد و نه آن است که فقط برای ثواب بردن شما و مستمعین شما باشد. گرچه همه ثواب ها هست، لکن چرا این ثواب برای این مجالس عزا آن قدر عظیم قرار داده شده است؟ ... این همه ثواب ... علاوه بر آن امور عبادی اش و روحانی اش، یک مسئله مهم سیاسی در کار بوده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶/۳۴۳-۳۴۴).

۱۰. رهیافت حماسه گرایی

یکی از ابعاد واقعه عاشورا، بُعد حماسی آن است که نقش آفرینان عاشورا را انسان های فوق العاده و استثنایی با توانمندی جسمی ویژه و دلیری های فوق العاده می داند و حوادثی را که آفریده اند بی نظیر یا کم نظیر قلمداد می کند. در نقلی آمده است: «امام حسین (ع) حتی در لحظات آخر که سپاه دشمن ایشان را محاصره کرده بود، مانند شیر حمله می کرد و سپاهیان دشمن مانند گله بزغالگان به هر سو فرار می کردند» (ابن سعد، ۱۴۱۴: ۱/۴۷۳؛ بلاذری، ۱۳۹۷: ۳/۲۰۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵/۴۵۲-۴۵۳؛ رازی، ۱۳۷۹: ۲/۸۰؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۴/۷۷). با اینکه حضرت از صبح، عزیزانشان را از دست داده بودند، اما با قوت قلب و شجاعت حمله می کردند. بر اساس این رهیافت، هرچند نقش آفرینی امام و یارانش در بازه زمان معینی بوده، به اقتضای اسطوره سازی و فرازمانی و فرامکانی بودن حماسه، کار سترگشان در تاریخ ماندگار شد. شاید انگیزه اصلی چنین رهیافتی، اشباع حس قهرمان پرستی ملی و قومی باشد، به ویژه اگر آن شخص، قهرمانی دینی باشد.

توصیف ادیبانه و مُسجّع وقایع کربلا و شهادت شهدا متأثر از متون حماسی،^۸ پادشاه و شاهزاده پنداری،^۹ به کارگیری نام ها و توصیف های خاص برای اسب ها، ابزار و ادوات و لباس های جنگی سپاهیان^{۱۰} از جمله شاخصه ها و ویژگی های این رهیافت است.

۱.۱۰. آسیب‌شناسی حماسه‌گرایی

از جمله آسیب‌های گرایش به پُررنگ کردن بُعد حماسه‌ای واقعه عاشورا عبارت است از:

۱. استناد به روایات غیرمعتبر و افسانه‌سرایی: بسیاری از مورخان و مقتل‌نویسان دوره پیش از صفویه یا قاجاریه هنگام بیان شجاعت جنگاوری امام و یارانش، حتی با استناد به برخی گزارش‌های غیرمعتبر، کشته‌های سپاه عمر سعد را به دست هر یک از یاران حضرت، ده‌ها، صدها و حتی هزاران تن نوشته‌اند یا شیوه مبارزه امام و یارانش را افسانه‌ای گزارش کرده‌اند. اما از دوران صفویه به بعد افراط‌های بیشتری در این رهیافت صورت گرفت. مقایسه گزارش‌های حماسه‌ای و اسطوره‌ای از عاشورا در منابع قبل از قرن هفتم با بعد از آن، به خوبی بیانگر نقطه‌های آغازین این افراط است.

۲. نسبت دادن اوصاف اسطوره‌های ملی ایرانی به امام (ع) و سپاه ایشان: پادشاهان صفوی برای تثبیت و ترویج مبانی اعتقادی شیعی در جامعه، به این نتیجه رسیدند که ملیت را در قالب مذهب بنگرند و صفات فوق بشری را که به قهرمانان حماسی اسطوره‌ای و سپس تاریخی نسبت می‌دادند، در قهرمانان مذهبی مانند امام حسین (ع) مجسم کنند و حتی قهرمانان اسطوره‌ای و تاریخی را در آنان فانی کنند (نک: رنجبر، ۱۳۹۲: ۲۲۴-۲۲۵). درست است که علمای امامیه همچون شیخ مفید امکان وقوع کرامات از جانب ائمه (ع) را پذیرفته‌اند، اما پذیرش انبوهی از آن را روانداخته‌اند (مفید، ۱۴۱۰: ۶۸). ترسیم اغراق‌آمیز و نادرست قدرت و شجاعت و شیوه نبرد امام حسین (ع) و یارانش^{۱۱} و تفسیر و ترسیم مبالغه‌آمیز و نادرست بودن نیرومندی و شجاعت برخی افراد خیالی سپاه دشمن^{۱۲} را می‌توان از آسیب‌های روشی این رهیافت برشمرد (رنجبر، ۱۳۹۲: ۲۰۹-۲۱۳).

۳. این رهیافت بر مبنای غلو، فضیلت‌تراشی‌های فرابشری و توجیه نقل یافته‌ها و گزارش‌های ناصحیح با هدف زنده نگه داشتن یاد کربلا، ایجاد محبت افراطی به امام پایه‌ریزی شده و از حکمت قیام عاشورا فاصله گرفته است.

آسیب‌ها	توضیح	رهیافت‌ها
<p>۱. راه‌یابی پیش فرض‌ها و تعصبات مذهبی در گزینش گزارش‌ها</p> <p>۲. سهل‌انگاری در انتخاب روایات ضعیف</p>	<p>نگاه گزارشگری به قیام عاشورا</p>	<p>رهیافت تاریخ‌گرایانه</p>
<p>۱. در نظر نداشتن اوصافی مانند علم غیب امام (ع) و مغلوب پنداشتن قیام</p> <p>۲. شایسته ندانستن امام (ع) در رهبری قیام و امت</p>	<p>نگاه مبارزه سیاسی و نظامی به قیام عاشورا</p>	<p>رهیافت سیاست‌گرایانه</p>
<p>۱. در نظر نداشتن ظلم و تجاوز یزید</p> <p>۲. هدف قیام را دستیابی به حکومت دانستن</p> <p>۳. خطا کار دانستن امام (ع) در سنجش امکانات و زمینه‌ها</p>	<p>نگاه مادی به قیام عاشورا</p>	<p>رهیافت دنیاگرایانه</p>
<p>۱. الگوگیری‌های ناصحیح</p> <p>۲. روند فرسایشی و نزولی ارتباط با ائمه (ع)</p>	<p>الگوپذیری از قیام در عدالت خواهی، عزت طلبی و ذلت ناپذیری</p>	<p>رهیافت الگوگرایانه</p>
<p>۱. دستاویز قراردادن قیام عاشورا از جانب حاکمان ظالم</p> <p>۲. ایجاد رکود، انفعال و ناممکن بودن درس‌آموزی و الگوگیری از عاشورا</p> <p>۳. تبرئه عواملان واقعاً عاشورا</p>	<p>نگاه جبرگرایی به قیام عاشورا</p>	<p>رهیافت جبرگرایانه</p>

آسیب‌ها	توضیح	رهیافت‌ها
<p>۱. تعارض با روایات اندوه معصومان بر مصائب عاشورا</p> <p>۲. بی‌توجهی به اهداف و پیام‌های عاشورا</p> <p>۳. تضعیف قدرت استقامت در برابر ظالم</p> <p>۴. محکوم نکردن قاتلان شهدای کربلا</p>	<p>نگاه به شهادت امام و مصائب عاشورا در پرتو عشق الاهی</p>	<p>رهیافت عرفان‌گرایانه</p>
<p>۱. سوء برداشت از روایت فضیلت گریه بر امام</p> <p>۲. گسترش اباحه‌گری</p> <p>۳. وارونه جلوه دادن حکمت و هدف قیام</p>	<p>نگاه به شهادت و شدائد امام (ع) به منزله جبران‌کننده خطای امت</p>	<p>رهیافت فدیبه‌گرایانه</p>
<p>۱. برانگیختن احساسات بدون ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی و ناتوانی در الگوگیری</p> <p>۲. رواج آیین‌هایی بدون مستند علمی و فقهی</p>	<p>نگاه به عزاداری عاشورا به منزله آیین مذهبی و ملی</p>	<p>رهیافت آیین‌گرایانه</p>
<p>۱. فراهم آوردن زمینه ترویج خرافات و تحریفات</p> <p>۲. استفاده ابزاری از برخی نقل‌های غیرمعتبر</p> <p>۳. نقل روایات ضعیف برای اظهار ارادت به شخصیت‌های حاضر در عاشورا یا حفظ میراث</p> <p>۴. ترویج ماجراهای بی‌مبنای عاطفی و احساسی</p> <p>۵. ناممکن بودن تکرار و الگوسازی</p>	<p>نگاهی عاطفی به مصائب عاشورا</p>	<p>رهیافت عاطفه‌گرایانه</p>
<p>۱. استناد به روایات غیرمعتبر و افسانه‌سرایی</p> <p>۲. نسبت دادن اوصاف اسطوره‌های ملی ایرانی به امام (ع) و سپاه ایشان</p> <p>۳. غلو، فضیلت تراشی و محبت افراطی</p>	<p>نگاه حماسی و جنگاوری به نقش آفرینان قیام عاشورا</p>	<p>رهیافت حماسه‌گرایانه</p>

نتیجه

۱. گرچه رهیافت های گوناگون تا حدودی برخی ابعاد و زوایای پنهان قیام عاشورا را نمایان کرده است، اما گاه ناآگاهی از درون مایه، جوهره و فلسفه قیام عاشورا موجب شکل گیری رویکردها و قرائاتی شده که نه تنها با روح این قیام و شخصیت رهبرش سنخیت ندارد، بلکه با مبانی و اصول اعتقادی اسلام هم رویارویی آشکار دارد. از جمله این رهیافت ها می توان به رهیافت دنیاگرایانه و فدیہ گرایانه اشاره کرد.
۲. برخی رویکردها راجع به قیام عاشورا برگرفته از پیش فرض ها و جانبدار عقاید و تفکرات صاحبان چنین رهیافت هایی است. رهیافت تقدیرگرایانه را می توان نمونه بارز چنین قرائاتی دانست که هدف سیاسی امام را از مسیر واقعی اش خارج کرده و حرکت امام را نهضتی ساختارشکنانه ضد حکومت دانسته، نه قیامی که هدفش برچیدن نظام ستمگری ستمگران و بدعت گذاری بدعت گذاران است.
۳. تعداد در خور ملاحظه ای از رهیافت های افراطی و مبالغه آمیز همچون رویکرد عاطفه گرایانه، آیین گرایانه و حماسه گرایانه در دوران صفویه و قاجاریه پی ریزی شد یا رو به تقویت نهاد که واقعه عاشورا را انفعالی و غیرسیاسی جلوه داد. رویکردهای مزبور در جامعه آن دوران و تبلیغ و ترویج آنها معلول اوضاع و اندیشه حاکم بوده است و علی رغم آنکه یاد و خاطره عاشورا را در اذهان مردم و جامعه، زنده نگه می داشت، هیچ گونه تعرض و تهاجمی به شیوه حکومت ظالمانه و مناسبات نابرابرانه پادشاه و کارگزاران حکومتی اش با مردم نداشت. از همین رو خود شاهان صفوی و بعدها حاکمان قاجار و کارگزارانشان بانی و مروج سوگواری برای امام شدند و ضمن شرکت در آن مراسم، گریه و عزاداری می کردند. اما رویکرد برخی از برداشت هایی که در چند دهه اخیر از این واقعه شده، سیاسی و ستم ستیزانه بوده است. از این رو حاکمان آن را برنتافتند.

۴. از بررسی آسیب‌های رهیافت‌های گوناگون می‌توان نتیجه گرفت که برداشت‌ها، خوانش‌ها و رهیافت‌های متعدد از حادثه عاشورا در صورتی قابل دفاع است که سه معیار در آن لحاظ شده باشد:

الف. برداشت‌ها، خوانش‌ها و رهیافت‌ها با مستندات تاریخی ناسازگار نباشد. مثلاً در هنگام نسبت دادن خُلق و خویتی خاص به امام حسین (ع) یا یارانش باید مطمئن بود که مستندات تاریخی برخلاف آن یافت نشود.

ب. برداشت‌ها و قرائت‌ها با اهداف کلان دین و سیره اهل بیت (ع) سازگار باشد. مثلاً در مقام بیان نقش و جایگاه زنان در حادثه عاشورا نباید آنچنان مبالغه شود که با قرآن، سنت، سیره پیامبر (ص) و امام حسین (ع) سازگاری نداشته باشد.

ج. خوانش از عاشورا بتواند اجزای مختلف این حادثه را پوشش دهد و به تعبیر دیگر فراگیر باشد و تمامی وقایع و جنبه‌هایش را شامل شود.

با رعایت این سه معیار می‌توان به خوانش جدیدی از عاشورا دست یافت که افزون بر فرارهیافتی بودن، مبالغه‌آمیز و جانبدارانه از پیش‌فرض‌ها نیست؛ چراکه پیدایش قرائت‌ها یا رهیافت‌های مختلف به این دلیل است که به ازای افزایش دانش و اطلاعات، زاویه دید جدیدی برای فرد پیدا شود.

۵. صرف توجه به رهیافتی خاص در یک مقتل، موجب پنهان ماندن ابعاد گسترده قیام عاشورا و فقدان درک صحیح از فلسفه قیام و مسئله امامت است. از همین رو نگرش به عاشورا فرارهیافتی است؛ رهیافتی جامع که به گونه‌ای تک‌بعدی به عاشورا ننگرد؛ رهیافتی گزارشگر با نقل اخبار معتبر، تقدیرگر که به جبر و سکوت منتهی نشود، عرفان‌گرا که مصلحت‌اندیشی امام را فدا نکند، همراه با برگزاری آیین‌های مذهبی که فرهنگ‌ساز باشد نه فرهنگ‌پذیر، حقایقی که از بکاء و عواطف برای تعمیق و تداوم یاد قیام به دور از بزرگ‌نمایی بهره برد و در نهایت الگویی جامع برای رهروان راستین باشد که تن به سکوت در برابر ظلم نداده و جامعه را به رکود و خمودگی نکشاند.

پی‌نوشت‌ها

۱. بررسی برخی از مقاتل عاشورایی به صورت مقاله در نشریات مختلف به چاپ رسیده است.
۲. از باب نمونه بنگرید به مقایسه روایات ابن عساکر با ابن سعد در این موضوعات: بیعت نکردن امام با یزید در زمان معاویه (ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسة ۴۳۹/۱)؛ دعوت کوفیان از امام حسین (ع) و تردید امام برای قیام (همان)؛ امام حسن (ع) طالب صلح و امام حسین (ع) خواهان جنگ (همان: خامسة ۴۴۰/۱) و ...
۳. ابن سعد در الطبقات در موضعی که ابن زیاد، قیس بن مصهر صیداوی را دستگیر کرد، می‌نویسد: «حصین بن تمیم، قیس را گرفت و پیش عبیدالله فرستاد. ابن زیاد به قیس گفت: خداوند مسلم را کشت! اینک میان مردم برخیز و به دروغ‌گوی پسر دروغ‌گو دشنام بده» (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۴۶۳؛ همو، بی‌تا: ۶۸).
۴. مانند افسانه عروسی قاسم (ع) (نک: کاشفی سبزواری، بی‌تا: ۳۲۱-۳۲۲) و گزارش‌هایی مانند یک رشته مروارید دادن امام حسین (ع) به یکی از لشکریان دشمن برای سوغات دخترش (همان: ۳۲۵)، پاره کردن بند قنناق توسط طفل شیرخوار [مانند جدش علی!] (همان: ۲۲۰)، تبسم طفل شیرخوار به پدرش پس از تیر خوردن (سپهر، ۱۳۶۸: ۳۶۴/۲؛ ۲۳۵/۴) و ...
۵. جنگیدن در هوای نسبتاً گرم کربلا، نبودن مجال و فرصت در کشاکش نبرد برای دست‌یابی به آب، عقیم ماندن آخرین تلاش‌های مشترک امام و حضرت عباس (ع) برای دست‌یابی به آب (نک: مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۹/۲)، بسته شدن آب از روز هفتم به دست سپاه ابن سعد (طبری، ۱۳۸۷: ۴۱۲/۵؛ نک: رازی، ۱۳۷۹: ۷/۲) از شواهد نبود یا کمبود آب در خیمه‌گاه است. به هر روی نمی‌توان انکار کرد که از روز هفتم سپاه ابن سعد آب را بست (طبری، ۱۳۸۷: ۴۱۲/۵ و نیز، نک: رازی، ۱۳۷۹: ۷/۲) اما تا صبح عاشورا آب در سپاه امام هرچند اندک و در حد رفع تشنگی موجود بود؛ چراکه مقاومت افراد حاضر در سپاه امام، زنان و کودکان در برابری آبی و تشنگی بیش از دو شبانه‌روز ممکن نیست. مبارزه امام و یارانش با بالاترین توان در عاشورا شاهدی قوی بر وجود آب در حد رفع تشنگی در خیمه‌گاه است (نک: رنجبر، ۱۳۹۲: ۱۷۴).
۶. اموری مانند کندن چاه و جاری شدن آب (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۴: ۸۹۳)؛ تلاش حضرت عباس (ع) برای آوردن آب (طریحی، ۱۴۲۴: ۳۰۶)؛ عبارت امام: «اسقونی شربة من الماء قد نشفت کبدی من الظمأ» (همان: ۴۳۹؛ بهبهانی، ۱۴۰۹: ۳۴۷/۴)؛ درخواست آب از شمر در آخرین لحظات (طریحی، ۱۴۲۴: ۴۵۲/۲)؛ امتناع حضرت عباس (ع) از بردن امام حسین (ع)، بدنش را به خیمه‌گاه به سبب خلف وعده (همان: ۵۰۴/۲)؛ مکالمه سر امام حسین (ع) با راهب دیر: «انا عطشان کربلاء، انا ظمآن کربلاء»؛ یا نسبت دادن این

- قول به خداوند درباره تشنگی اهل بیت: «صغیرهم یمیته العطش و کبیرهم جلدہ منکمش» (مجلسی، ۳۰۸/۴:۱۴۰۳) و...؛ به نظر می‌رسد چون یکی از مشکلات بسیار مهم ایرانیان مسئله کمبود آب بوده، آب در تعزیه‌ها و روضه‌خوانی‌ها یکی از عوامل مهم وقایع کربلا شده و گزارشگران عاشورا در پُررنگ نشان دادن موضوع تشنگی، دچار مبالغه‌گویی شده‌اند.
۷. یکی از نویسندگان عصر قاجار کتابی به نام امواج البکاء درباره شمار مواضعی که امام حسین (ع) در روز عاشورا گریه کرده نگاشته است (طهرانی، ۳۵۷۲:۱۴۰۳).
۸. به نظر می‌رسد علت چنین توصیفی از عاشورا، مقبولیت و جذابیت آن نزد توده مردم به سبب برانگیختن عواطفشان بوده است.
۹. استفاده از الفاظی مانند شاه، پادشاه، شاه‌زاده، همایون، شاهنشاه محترم، شاه محتشم، شاه کربلا و... دلالت بر این دارد که نوع ادبیات به شیوه شاهان صفوی و قاجاری اشاره داشته و شاهان نیز از این القاب می‌توانستند بهره سیاسی‌شان را ببرند (نک: رنجبر، ۱۳۹۲).
۱۰. این مؤلفه در روضه الشهداء به وفور دیده می‌شود، مانند نیزه هجده ذرعی هاشم مرقال (نک: کاشفی سبزواری، بی تا: ۳۰۱).
۱۱. نبرد یاران امام، شمار جراحات امام، آمار عجیب شمار سپاهیان عمر سعد در زمان محاصره و نبرد با امام و نیز دادن آمار فراوان کشته‌ها و زخمی‌های دشمن یا مشخص کردن طول شمشیر و نیزه‌شان از ویژگی‌های این مؤلفه است.
۱۲. مثلاً توان جنگاوری برخی افراد خیالی سپاه ابن سعد مانند نصر بن کعب (کاشفی سبزواری، بی تا: ۲۸۴) و یزید ابطحی (همان: ۳۳۰) را برابر با صد و حتی هزار مرد جنگی معرفی کرده‌اند و سپس افزوده‌اند که چنین افرادی با آن توانمندی جنگی، مغلوب امام یا یکی از یارانش شدند.

منابع

- آفاجری، هاشم؛ زرگری نژاد، غلام حسین؛ حسینی، عطاء الله (۱۳۸۰). تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ نگری اسلامی، تهران: نقش جهان.
- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، دار بیروت.
- ابن اعثم کوفی، ابو محمد احمد بن علی (۱۳۷۴). ترجمه الفتوح، ترجمه: محمد بن احمد مستوفی هروی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن اعثم کوفی، ابو محمد احمد بن علی (۱۴۱۱). الفتوح، بیروت: دار الأضواء.
- ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۰۶). منهاج السنة النبویة، تحقیق: محمد رشاد سالم، بی جا: بی نا.
- ابن جوزی، ابو الفرج (۱۴۱۲). المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن جوزی، ابو الفرج (۱۴۲۶). الرّدّ علی المتعصب العنید المانع من ذمّ یزید، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۰۸). تاریخ ابن خلدون، بیروت: دار الفکر.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۴). الطبقات الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن سعد، محمد (بی تا). ترجمه الإمام الحسین (ع) من طبقات ابن سعد، تحقیق: عبد العزیز طباطبائی، بی جا: الهدف.
- ابن شعبة حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول عن آل الرسول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن طاووس، علی (۱۳۴۸). اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه: احمد فهری زنجانی، تهران: جهان.
- ابن طباطبا (۱۳۵۰). تاریخ فخری، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن عربی، ابو بکر (بی تا). العواصم من القواصم، قاهره: المكتبة السلفية.
- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵). تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر.
- ابن کثیر دمشقی، أبو الفداء إسماعیل (۱۴۲۲). البداية والنهاية، بیروت: دار المعرفة.
- ابن نما حلی، جعفر بن محمد (۱۴۰۶). مشیر الأحران، قم: مدرسة الإمام المهدي (عج).
- اسفندیاری، محمد (۱۳۸۸). عاشوراشناسی: پژوهشی درباره هدف امام حسین (ع)، قم: صحیفه خرد.
- ایزدی، حسین (۱۳۸۷). «مناقب خوانی در دوره آل بویه»، در: تاریخ اسلام، س ۹، ش ۳۳-۳۴، ص ۲۵-۵۶.

- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۷). أنساب الأشراف، تحقیق: محمد باقر محمودی، بیروت: دارالتعارف.
- بهبهانی، محمد باقر (۱۴۰۹). الدمعة الساکبة، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- توحیدی نیا، روح الله (۱۳۹۷). «دیدگاه ائمه درباره شخصیت و قیام زید بن علی»، در: شیعه پژوهی، ش ۱۵، ص ۵۵-۷۲.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۶). تأملی در نهضت عاشورا، تهران: مورخ.
- حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب (۱۴۱۸). تسلیة المُجالس و زینة المَجالس، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- حسینی، سید عبدالله (۱۳۸۶). معرفی و نقد منابع عاشورا، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- خواجه میرزا، محمود (۱۳۸۵). «فاطمیان آل بویه و تبلیغات شیعی»، در: تاریخ اسلام، ش ۲۸، ص ۱۰۱-۱۱۸.
- خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۲۳). مقتل الحسین (ع)، قم: انوار الهدی.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (۱۴۲۲). تاریخ بغداد. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- دربندی شیروانی حائری، آغا بن عابد (۱۴۱۵). اکسیر العبادات فی أسرار الشهادات: أسرار الشهادة، بحرین: شركة المصطفی.
- دینوری، أبو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبة (۱۴۱۰). الإمامة والسیاسة، بیروت: دارالأضواء.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۱۰). تاریخ الإسلام، بیروت: دارالکتب العربی.
- رازی، ابوعلی مسکویه (۱۳۷۹). تجارب الأمم، تهران: سروش.
- رحمانستایش، محمد کاظم؛ رفعت، محسن (۱۳۸۹). «روایات عاشورایی الفتوح ابن أعثم کوفی در میزان نقد و بررسی». حلدیپژوهی، شماره ۳، ص ۷۹-۱۱۶.
- رفعت، محسن (۱۴۰۰). «روایات عاشورایی الطبقات الكبرى ابن سعد در سنجه نقد»، در: تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۴۳، ص ۱۰۷-۱۳۲.
- رفعت، محسن؛ ژیان، فاطمه (۱۴۰۰). «نقد و بررسی روایات انگاره‌ها و گزاره‌های متفرد عاشورایی در اسرار الشهادة ملاآقافاضل دربندی»، در: پژوهش نامه امامیه، ش ۱۳، ص ۱۶۲-۱۹۳.

تحلیلی آسیب شناسانه بر رهیافت های عاشوراپژوهی / ۱۷۳

- رفعت، محسن؛ فراتی، علی اکبر؛ شریفی گرم دره، وحید (۱۳۹۸). «بررسی و نقد روایت انگاره‌ها و گزاره‌های متفرد عاشورایی در روضه الشهداء کاشفی»، در: شیعه پژوهی، ش ۱۷، ص ۲۷۶-۳۲۰.
- رنجبر، محسن (۱۳۸۲). «فلسفه قیام عاشورا»، در: تاریخ در آینه پژوهش، پیش شماره ۳، ص ۸۹-۱۵۸.
- رنجبر، محسن (۱۳۹۲). جریان شناسی تاریخی قرائت‌ها و رویکردهای عاشورا از صفویه تا مشروطه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- زندیه، حسن؛ و دیگران (۱۳۹۲). «پیامدهای برگزاری آیین‌های مذهبی شیعه در دوره صفویه»، در: پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش ۱۳، ص ۳۷-۵۶.
- سپهر، میرزا محمد تقی (۱۳۶۸). ناسخ التواریخ در احوالات حضرت سید الشهداء، تهران: اسلامیه.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۸). «عیسی در روایات الکافی در مقایسه با عیسی در مسیحیت»، در: علوم حدیث، ش ۵۱، ص ۱۰۵-۱۲۴.
- شامی، فضیلت (۱۳۶۷). تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری، ترجمه: محمد ثقفی و علی اکبر مهدی پور، شیراز: دانشگاه شیراز.
- شریف کاشانی، حبیب‌الله (۱۳۹۰). تذکره الشهداء، تهران: شمس الضحی.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۶۱). شهید جاوید، تهران: جبی نلج.
- صحتی سردودی، محمد (۱۳۸۵). عاشوراپژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین (ع)، قم: خادم‌الرضا.
- صدوق، أبو جعفر محمد بن بابویه (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا (ع)، تهران: جهان.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۷۸). غالیان: کاوشی در جریان‌ها و برآیندها تا پایان سده سوم، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- طالش عزیزی، محمد باقر (۱۳۸۱). «نگاهی به سیاست مذهبی آل بویه»، در: رشد آموزش تاریخ، ش ۱۱، ص ۳۲-۳۷.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الطبری: تاریخ الأمم والملوک، بیروت: دار التراث.

- طریحی، فخرالدین (۱۴۲۴). المنتخب فی جمع المرآئی والخطب، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- طهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۳). الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت: دار الأضواء.
- عسگری، انسیه (۱۳۹۷). جریان شناسی تفسیر تطبیقی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عسگری، انسیه؛ رفعت، محسن (۱۳۹۹). «بازخوانی و آسیب شناسی گونه‌ها و سبک‌های مقاتل امام حسین (ع)»، در: تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۳۸، ص ۴۷-۷۶.
- عقیلی، أبو جعفر محمد بن عمرو (۱۴۱۸). ضعفاء العقیلی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- فروغی ابری، اصغر (۱۳۸۳). «نگاهی به پیشینه عزاداری در اسلام قبل از صفویه»، در: مشکوة، ش ۸۴ و ۸۵، ص ۱۳۱-۱۴۲.
- قائدان، اصغر (۱۳۷۴). بررسی تحریف‌نگاری مکتب شام و تحریف قیام امام حسین (ع)؛ خورشید شهادت، مجموعه مقالات برگزیده اولین سمینار بررسی ابعاد زندگانی امام حسین (علیه السلام)، بیجا: چاپ و صحافی مهر.
- کاشفی سبزواری، ملاحسین (بی تا). روضة الشهداء، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، تهران: اسلامیة.
- کاظم بیگی، محمد علی؛ گوهری فخرآباد، مصطفی (۱۳۹۳). «نگاه اهل حدیثی ابن سعد به تاریخ صدر اسلام؛ بررسی موردی شرح حال امام علی (ع) در کتاب الطبقات الکبری»، در: تاریخ و فرهنگ، ش ۹۲، ص ۵۷-۸۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لعلوم الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محزّمی، غلام حسین (۱۳۸۲). «تاریخ عزاداری برای امام حسین (ع)»، در: تاریخ در آینه پژوهش، پیش شماره ۳، ص ۲۵۵-۳۰۰.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۴۰۹). مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: اسعد داغر، قم: دار الهجرة.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۹). وضع و نقد حدیث، تهران: سمت، دانشکده علوم حدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). حماسه حسینی، قم: صدرا.

تحلیلی آسیب شناسانه بر رهیافت های عاشورا پژوهی / ۱۷۵

- مفتخری، حسین؛ رنجبر، محسن (۱۳۸۷). «رویکرد احساسی عاطفی به واقعه عاشورا در ایران از صفویه تا مشروطه»، در: شیعه شناسی، س ۶، ش ۲۴، ص ۱۶۹-۲۱۲.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۰). اوائل المقالات، بیروت: دارالمفید.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نوری، حسین (۱۳۸۶). لؤلؤ و مرجان، قم: بنی الزهراء.
- یاقوت حموی (۱۹۹۳). معجم الادباء، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- Fireston, Reuven (1998). "Merit, mimesis, and martyrdom: aspects of Shiite meta-historical exegesis on Abraham's sacrifice in light of Jewish, Christian, and Sunni muslim tradition", in: Journal of the American Academy of Religion, vol. 66, no. 1, pp. 93-116.

References

- Aghajari, Hashem; Zargarinejad, Gholam Hoseyn; Hasani Ataollah. 2001. Taamolati dar Elm Tarikh wa Tarikhnegari Islami (Reflections on the Science of History and Islamic Historiography), Tehran: Naghsh Jahan. [in Farsi]
- Aghili, Abu Jafar Mohammad ibn Amr. 1997. Zoafa al-Aghili, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Asgari, Ensiyeh. 2018. Jaryanshenasi Tafsir Tatbighi (Trendology of Comparative Interpretation), Qom: Research Institute of Hawzeh and University. [in Farsi]
- Asgari, Ensiyeh; Rafat, Mohsen. 2020. "Bazkhani wa Asibshenasi Guneh-ha wa Sabk-hay Maghatel Imam Hoseyn (AS) (Review and Pathology of the Types and Styles of Imam Hoseyn's (A.S) Martyrdom Books)", in: History of Islamic Culture and Civilization, no. 38, pp. 47-76. [in Farsi]
- Balazori, Ahmad ibn Yahya. 1977. Ansab al-Ashraf, Researched by Mohammad Bagher Mahmudi, Beirut: Al-Taarof House. [in Arabic]
- Behbahani, Mohammad Bagher. 1988. Al-Damah al-Sakebah (Shedding Tear), Beirut: Al-Alami Institute. [in Arabic]
- Darbandi Shirwani Haeri, Agha ibn Abed. 1994. Eksir al-Ebadat fi Asrar al-Shahadat: Asrar al-Shahadah, Bahrain: Al-Mostafa Institute. [in Arabic]
- Dinawari, Abu Mohammad Abdollah ibn Moslem ibn Ghotaybeh. 1989. Al-Imamah wa al-Siyasah (Imamate and Politics), Beirut: Lights House. [in Arabic]
- Esfandiyari, Mohammad. 2009. Ashura Shenasi: Pajuheshi darbareh Hadaf Imam Hoseyn (Ashura Study: A Research on the Purpose of Imam Hoseyn (A.S.)), Qom: Wisdom Treatise. [in Farsi]
- Fireston, Reuven. 1998. "Merit, Mimesis, and Martyrdom: Aspects of Shiite Meta-historical Exegesis on Abraham's Sacrifice in Light of Jewish, Christian, and Sunni Muslim Tradition", in: Journal of the American Academy of Religion, vol. 66, no. 1, pp. 93-116.
- Forughi Abri, Asghar. 2004. "Negahi be Pishineh Azadari dar Islam Ghabl az Safawiyeh (A Look at the History of Mourning in Islam before Safavid Era)", in: Meshkat, no. 84 & 85, pp. 131-142. [in Farsi]

- Ghaediyani, Asghar. 1995. Barresi Tahrifnegari Maktab Sham wa Tahrif Ghiyam Imam Hoseyn (AS) (Investigating the Distortion Writing of the School of Sham and the Distortion of Imam Hoseyn's (AS) Uprising), The Sun of Martyrdom, Proceedings of the First Seminar Examining the Life Dimensions of Imam Hoseyn (AS), n.p: Mehr Printing and Binding. [in Farsi]
- Hoseyni Musawi, Mohammad ibn Abi Taleb. 1997. Tasliyah al-Mojales wa Zinah al-Majales (The Consolation of the Companion and the Adornment of the Parties), Qom: Islamic Teachings Foundation. [in Arabic]
- Hoseyni, Seyyed Abdollah. 2007. Moarrefi wa Naghd Manabe Ashura (Introducing and Criticizing the Sources of Ashura), Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. [in Farsi]
- Ibn al-Jozi, Abu al-Faraj. 1991. Al-Montazam fi Tarikh al-Omam wa al-Moluk (Anthology of the History of Nations and Kings), Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Ibn al-Jozi, Abu al-Faraj. 2005. Al-Radd ala al-Moteasseb al-Anid al-Mane men Zam Yazid (Response to the Stubborn Fanatic Who Prevents Condemnation of Yazid), Beirut: Scientific Books Institute. [in Arabic]
- Ibn Arabi, Abubakr. n.d. Al-Awasem men al-Ghawasem, Cairo: Salafi Press. [in Arabic]
- Ibn Asaker, Ali ibn Hasan. 1994. Tarikh Madinah Demashgh (History of the City of Damascus), Researched by Ali Shiri, Beirut: House of Thought. [in Arabic]
- Ibn Atham Kufi, Abu Mohammad Ahmad ibn Ali. 1990. Al-Fotuh, Beirut: Lights House. [in Arabic]
- Ibn Atham Kufi, Abu Mohammad Ahmad ibn Ali. 1995. Al-Fotuh, Translated by Mohammad ibn Ahmad Mostofi Herawi, Tehran: Scientific & Cultural. [in Farsi]
- Ibn Athir, Ezz al-Din Abi al-Hasan. 1965. Al-Kamel fi al-Tarikh (The Completion of History), Beirut: Sader House. [in Arabic]
- Ibn Kathir Demashghi, Abu al-Feda Ismail. 2001. Al-Bedayah wa al-Nehayah (The Beginning and the End), Beirut: Knowledge Institute. [in Arabic]
- Ibn Khaldun, Abd al-Rahman ibn Mohammad. 1987. Tarikh Ibn Khaldun, Beirut: Thought House. [in Arabic]

- Ibn Nama Helli, Jafar ibn Mohammad. 1985. *Mothir al-Ahzan*, Qom: Imam Mahdi School. [in Arabic]
- Ibn Sad, Mohammad. 1993. *Al-Tabaghat al-Kobra (Upper Classes)*, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Ibn Sad, Mohammad. n.d. *Tarjemah al-Imam al-Hosayn (AS) men Tabaghat Ibn Sad*, Researched by Abd al-Aziz Tabatabai, n.p: Al-Hadaf. [in Arabic]
- Ibn Shobeh Harrani, Hasan ibn Ali. 1983. *Tohaf al-Oghul an Al al-Rasul*, Qom: Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]
- Ibn Tabataba, Mohammad ibn Ali. 1971. *Tarikh Fakhri*, Tehran: Scientific & Cultural. [in Farsi]
- Ibn Tawus, Ali. 1969. *Al-Lohuf ala Ghatla al-Tofuf*, Translated by Ahmad Fahri Zanjani, Tehran: Universe. [in Arabic]
- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. 1985. *Menhaj al-Sannah al-Nabawiyah (The Method of the Prophetic Biography)*, Researched by Mohammad Rashad Salem, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Izadi, Hoseyn. 2008. "Managheb Khani dar Doreh Al Buyeh (Extoling Virtues in during al-Buyeh Period)", in: *History of Islam*, yr. 9, pp. 33-34, pp. 25-56. [in Farsi]
- Jafariyan, Rasul. 2007. *Taamoli dar Nehzat Ashura (A Reflection on the Ashura Movement)*, Tehran: Historian. [in Farsi]
- Kashefi Sabzewari, Molla Hoseyn. n.d. *Rawzah al-Shohada*, Edited by Abu al-Hasan Sharani, Tehran: Islamiyeh. [in Arabic]
- Kazem Beygi, Mohammad Ali; Gohari Fakhr Abad, Mostafa. 2014. "Negah Ahl Hadithi Ibn Sad be Tarikh Sadr Islam; Barresi Moredi Sharh Hal Imam Ali (AS) dar Ketab al-Tabaghat al-Kobra (Ibn Sad's Hadith Based View on the Early History of Islam; A Case Study of the Biography of Imam Ali (AS) in the Book of Tabaghat al-Kobra)", in: *History and Culture*, no. 92, pp. 57-84. [in Farsi]
- Khajeh Mirza, Mahmud. 2006. "Fatemiyan Al Buyeh wa Tablighat Shii (Fatemids of Buyid Dynasty and Shiite Propaganda)", in: *History of Islam*, no. 28, pp. 101-118. [in Farsi]
- Kharazmi, Mowaffagh ibn Ahmad. 2002. *Maghtal al-Hosayn (Martyrdom Story of Hosayn)*, Qom: Lights of Guidance. [in Arabic]

- Khatib Baghdadi, Abubakr Ahmad ibn Ali. 2001. Tarikh Baghdad (History of Baghdad), Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Koleyni, Mohammad ibn Yaghub. 2009. Al-Kafi, Researched by Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Islamic Books House. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1982. Behar al-Anwar al-Jameah le Olum al-Aemah al-Athar (Vast Oceans of Light Containing the Knowledge of the Infallible Imams), Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Masudi, Abd al-Hadi. 2010. Waz wa Naghd Hadith (Criticism of Hadith), Tehran: Samt, Faculty of Hadith Sciences. [in Farsi]
- Masudi, Abu al-Hasan Ali ibn Hoseyn. 1988. Moruj al-Zahab wa Maaden al-Jawhar (Meadows of Gold and Mines of Gems), Researched by Asad Dagher, Qom: Al-Hejrah House. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad ibn Noman. 1989. Arael al-Maghalat (Primary Statements), Beirut: Al-Mofid House. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad ibn Noman. 1992. Al-Ershad fi Marefah Hojajellah ala al-Ebad (Guidance to the Knowledge of the Representatives of God over People), Qom: Sheikh Mofid Congress. [in Arabic]
- Moftakhari, Hoseyn; Ranjbar, Mohsen. 2008. "Ruykard Ehsasi Atefi be Waghe'e Ashura dar Iran az Safawiyeh ta Mashruteh (Emotional Approach to Ashura Event in Iran: from Safavid to Mashruteh)", in: Shiite Studies, yr. 6, no. 24, pp. 169-212. [in Farsi]
- Moharrami, Gholam Hoseyn. 2003. "Tarikh Azadari Baray Imam Hoseyn (AS) (The History of Mourning for Imam Hoseyn (AS))", in: History and in the Mirror of Research, Pre-issue 3, pp. 255-300. [in Farsi]
- Motahhari, Morteza. 2007. Hamaseh Hoseyni (The Epic of Hoseyn), Qom: Sadra. [in Farsi]
- Musawi Khomeini, Seyyed Ruhollah. 1999. Sahifeh Imam (Treatise of Imam), Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [in Farsi]
- Nuri, Hoseyn. 2007. Lo'lo' wa Marjan, Qom: Bani al-Zahra. [in Arabic]
- Rafat, Mohsen. 1979. "Rewayat Ashurayi al-Tabaghat al-Kobra Ibn Sad dar Senjeh Naghd (Ashura Narrations of al-Tabaghat al-Kobra by Ibn Sad: Review and Critique)", in: The History of Islamic Culture and Civilization, no. 43, pp. 107-132. [in Farsi]

- Rafat, Mohsen; Forati, Ali Akbar; Sharifi Garm Darreh, Wahid. 2019. "Barrsi wa Naghd Re- wayat Engareh-ha wa Gozareh-hay Motefarred Ashurayi dar Rawzah al-Shohada Kashefi (A Study and Critique of Unique Ashura Narrations and Statements in the Book "Rawzah al-Shohada" by Kashefi)", in: Shia Studies, no. 17, pp. 276-320. [in Farsi]
- Rafat, Mohsen; Zhian, Fatemeh. 1979. "Naghd wa Barresi Rewayat Engareh-ha wa Goza- reh-hay Motefarred Ashurayi dar Asrar al-Shahadah Molla Agha Fazel Darbandi (A Study and Critique of Unique Ashura Narrations and Statements in the Book "Asrar al-Shahadah" by Mullah Agha Fazel Darbandi)", in: Imamiyyah Studies, no. 13, pp. 162-193. [in Farsi]
- Rahman Setayesh, Mohammad Kazem; Rafat, Mohsen. 2010. "Rewayat Ashurayi al-Fotuh Ibn Atham Kufi dar Mizan Naghd wa Barresi (Ashura Narrations of al-Fotuh by Ibn Atham Kufi: Review and Critique)", Hadith Studies, no. 3, pp. 79-116. [in Arabic]
- Ranjbar, Mohsen. 2003. "Falsafeh Ghiyam Ashura (The Philosophy of Ashura Uprising)", in: History in the Mirror of Research, Pre-issue 3, pp. 89-158. [in Farsi]
- Ranjbar, Mohsen. 2013. Jaryanshenasi Tarikhi Gheraat-ha wa Ruykard-hay Ashura az Sa- fawiyeh ta Mashruteh (Historiography of Accounts and Approaches of Ashura from Safavid to Constitutional Revolution), Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [in Farsi]
- Razi, Abu Ali Meskawayh. 2000. Tajareb al-Omam (Experiences of Nations), Tehran: Soroush. [in Arabic]
- Sadugh, Abu Jafar Mohammad ibn Babewayh. 1999. Oyun Akhbar al-Reza (Selected Words of Imam Reza), Qom: Universe Press. [in Arabic]
- Safari Forushani, Nematollah. 1999. Ghaliyan; Kawoshi dar Jaryan-ha wa Barayand-ha ta Payan Sadeh Sewwom (Exaggerators; Study of Currents and Outcomes until the End of the Third Century), Mashhad: Astan Qods Razavi, Islamic Research Foundation. [in Farsi]
- Salehi Najaf Abadi, Nematollah. Shahid Jawid (Immortal Martyr), Tehran: Jabi Nalj. [in Farsi]
- Sehhati Sardrudi, Mohammad. 2006. Ashurapajuhi ba Rukardi be Tahrifshenasi Tarikh Imam Hoseyn (AS) (Ashura Study with an Approach to the Distortion of Imam Hoseyn's History), Qom: Servant of Reza AS). [in Farsi]

- Sepehr, Mirza Mohammad Taghi. 1989. *Nasekh al-Tawarikh dar Ahwalat Hazrat Seyyed al-Shohada* (Biography of the Master of Martyrs), Tehran: Islamiyeh. [in Farsi]
- Shaker, Mohammad Kazem. 2009. "Isa dar Rewayat al-Kafi dar Moghayeseh ba Isa dar Masihiyat (Jesus in al-Kafi Traditions Compared to Jesus in Christianity)", in: *Hadith Sciences*, no. 51, pp. 105-124. [in Farsi]
- Shami, Fazilat. 1988. *Tarikh Zaydiyeh dar Gharn Dowwom wa Sewwom Hejri* (The History of Zaydism in the Second and Third Centuries AH), Translated by Mohammad Thaghafi & Ali Akbar Mahdipur, Shiraz: Shiraz University. [in Farsi]
- Sharif Kashani, Habibollah. 2011. *Tazkerah al-Shohada*, Tehran: Shams al-Zoha. [in Arabic]
- Tabari, Abu Jafar Mohammad ibn Jarir. 1967. *Tarikh al-Tabari: Tarikh al-Omam wa al-Moluk* (The History of al-Tabari; History of Nations and Kings), Beirut: Heritage House. [in Arabic]
- Talesh Azizi, Mohammad Bagher. 2002. "Negahi be Siyasat Mazhabi Al Buyeh (A Look at the Buyid Religious Policy)", in: *The Growth of History Education*, no. 11, pp. 32-37. [in Farsi]
- Tehrani, Agha Bozorg. 1982. *Al-Zariah ela Tasanif al-Shia*, Beirut: Al-Azwa House. [in Arabic]
- Tohidiniya, Ruhollah. 2018. "Didgah Aemmeh darbareh Shakhshiyat wa Ghiyan Zeyd ibn Ali (Imams' Point of View about the Character and Uprising of Zayd ibn Ali)", in: *Shia Studies*, no. 15, pp. 55-72. [in Farsi]
- Toreyhi, Fakhr al-Din. 2004. *Al-Montakhab fi Jam al-Marathi wa al-Khotab* (Excerpts of Elegies and Sermons), Edited by Nazzal Ali, Beirut: Al-Alami Institute. [in Arabic]
- Yaghut Hemawi. 1993. *Mojam al-Odaba* (Dictionary of Literati), Beirut: Islamic West House. [in Arabic]
- Zahabi, Shams al-Din Mohammad ibn Ahmad. 1989. *Tarikh al-Islam* (History of Islam), Beirut: Arabic Book House. [in Arabic]
- Zandiyeh, Hasan; et al. 2013. "Payamad-hay Bargozari Ayin-hay Mazhabi Shia dar Doreh Safawiyeh (The Consequences of Holding Shia Religious Rituals in the Safavid Period)", in: *Historical Researches of Iran and Islam*, no. 13, pp. 37-56. [in Farsi]